



## با معلمان از مدرسه تا استاد

### نگاهی به مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی و تربیتی

دکتر سیدامیر رون

درسی است. نخست به آن دلیل که معلم همیشه در کنار دانش‌آموزان است و دوم آنکه معلم یگانه شخصیتی است که می‌تواند اطلاعات مناسب را برحسب نحوهٔ یادگیری دانش‌آموزان ارائه دهد (مهرمحمدی، ۱۳۸۴).

صاحب‌نظران معلمان را مبدأ هرگونه تحول آموزشی و پرورشی می‌دانند و بر این باورند که آنان با معلومات، مهارت‌ها و آمادگی‌هایی که در دوران تربیت خود در دانشگاه‌ها و مراکز تربیت‌معلم کسب می‌کنند، قادرند چهرهٔ سازمان‌های آموزشی را به نحو چشمگیری دگرگون کنند و محیط‌های آموزشی را به فضاهایی آکنده از محبت، صمیمیت، رشد و بالندگی مبدل کنند و جؤ کلاس را فرخ‌بخش و لذت‌آور سازند و با شیوه‌های مناسب انتقال عناصر و عوامل فرهنگی به دانش‌آموزان و با به‌کارگیری روش‌های مطلوب تربیتی، زمینهٔ رشد شخصیت آنان را فراهم کنند (وکیلیان، ۱۳۷۵: ۶۶؛ اکرمی و حسینی، ۱۳۸۴؛

آشنایی با مسائل و نیازهای دانش‌آموزان و مدرسه و تجربه‌های ارزشمندی که در سایهٔ تعامل با یادگیرندگان به دست می‌آورند، از مهم‌ترین ارکان فرایند آموزش در مدرسه هستند. آن‌ها بیش از پیش نیازمند درک عمیق‌تری از تحولات اجتماعی، رشد روزافزون تقاضای اجتماعی برای آموزش و تغییر کیفیت آن هستند (بهنام جام و شاه‌حسینی، ۱۳۹۰). معلمان با دانش‌آموزان بیشترین ارتباط و نزدیک‌ترین پیوند را دارند و از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعهٔ کیفی آموزش و پرورش و رشد همه‌جانبهٔ کودکان به شمار می‌روند. آبیرو (۲۰۰۹: ۴۷)، شواب (۱۹۸۳)، الوانی (۱۳۸۵: ۲۶)، موکوا (۲۰۱۰) و مالبی (۱۹۹۹: ۱۶۳) معلم را عضو اصلی گروه‌های تصمیم‌گیرنده برنامهٔ درسی به حساب می‌آورند و می‌گویند، اولین پاسخ به این سؤال که چه کسی عضو اصلی گروه‌های تصمیم‌گیرنده دربارهٔ برنامهٔ درسی است، معلم است. مهم‌ترین عنصر برنامه‌ریزی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که وزارت آموزش و پرورش براساس راهکارهای ۵- ۵، ۶- ۸، ۶- ۱۱ و ۲- ۱۳ سند تحول بنیادین و ردیف‌های ۵- ۲، ۴- ۱۲، ۲- ۲، ۲- ۱۳، ۲- ۱۴، ۷- ۱۵ سند برنامهٔ درسی ملی دنبال می‌کند، «مدرسه‌محوری» و واگذاری اختیارات بیشتر به مدرسه در زمینهٔ امور گوناگون مانند برنامه‌های درسی است. بی‌گمان، تحقق یافتن مدرسه‌محوری مستلزم اصلاحات عدیده‌ای در ارکان گوناگون نظام آموزشی است که از مهم‌ترین آن‌ها بازنگری دربارهٔ نقش دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، به‌ویژه مدیران و معلمان و تواناسازی آنان برای تصدی مسئولیت‌ها و وظایف جدید است.

برنامه‌ریزی درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی مستلزم مشارکت کلیهٔ نیروهای اثرگذار، ذی‌ربط، ذی‌صلاح و ذی‌نفع در مراحل گوناگون تصمیم‌گیری است که در میان آن‌ها معلمان از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردارند. معلمان به سبب



سلسبیلی و حسینی، ۱۳۸۲: ۶۸ - ۴۹). معلم در برنامه‌ریزی درسی چنان نقش محوری دارد که موضوعات مفید برای دانش‌آموز را تشخیص می‌دهد و ارائه می‌کند (ایزدی، ۱۳۸۴؛ کبیا، بارچک و نیاجی، ۲۰۱۵). معلم یکی از حلقه‌های زنجیره نظام آموزشی و مؤثرترین عنصر آن است و ضعف او می‌تواند موجب از هم پاشیدن این زنجیره و شکست در دستیابی به اهداف باشد (ملکی، ۱۳۸۰: ۳۴).

معلمان مهم‌ترین عنصر در موفقیت برنامه‌های درسی هستند و در صورتی که در زمینه جایگاه، نقش و زمینه‌سازی مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با برنامه درسی تأملی عمیق و جامع‌الاطراف صورت پذیرد، برنامه‌های درسی اثربخشی چشمگیر خواهد یافت. «دیدگاه و اندیشه معلم درباره برنامه درسی از چنان کیفیتی برخوردار است که به سادگی جایگزینی هم‌تراز آن نمی‌توان یافت. آگاهی معلم از موقعیت‌های یاددهی - یادگیری و تجربه‌های ارزشمند او این استدلال را تقویت می‌کند که معلم باید در تصمیم‌گیری‌های دقیق و هوشمندانه برنامه درسی مشارکت داشته باشد (کانلی، ۱۹۸۸)».

«از این‌رو، معلمان هسته اصلی برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شوند و مشارکت آنان در فرایند طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی، عنصر کلیدی بهبود برنامه‌ها به حساب می‌آید. مشارکت آنان در فرایند تغییر و بهسازی برنامه‌های درسی مدرسه نیز اهمیت شایان توجهی دارد (فولان، ۱۹۹۹)».

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، ارتقای نقش معلم در فرایند برنامه‌ریزی درسی یک ضرورت است و بدون حضور معلم، برنامه‌ها کارایی لازم را نخواهد داشت (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳: ۶۱ - ۷۵). و پژوهش گویا و ایزدی (۱۳۸۱)، نشان می‌دهد مشارکت معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی از زمان تخصصی شدن قلمروهای برنامه‌ریزی درسی مطرح بوده است و گاه باعث افزایش احساس تعلق آنان در برنامه‌ها می‌شود. همچنین، از نظر ایشان

عمده‌ترین دلیل کم بودن میزان مشارکت معلمان در طراحی برنامه، ناآگاهی آنان از دانش برنامه‌ریزی درسی است. بنابراین، ارائه آموزش‌های ضمن خدمت ضروری به نظر می‌رسد. **فتحی و اجارگاه (۱۳۸۳):** ۷۸ - ۵۹) در پژوهشی، شناسایی امکان مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی را مدنظر قرار داده و نتیجه گرفته است که شرکت معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی نتایج و دستاوردهای بسیاری برای نظام آموزشی کشور دارد.

در این زمینه، **مهرمحمدی نگاه قطبی و مطلق** به تمرکز یا نبود تمرکز را آسیب‌زا و مردود اعلام می‌کند و میزان تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی درسی را اقتضایی و با توجه به شناخت وضعیت‌ها و ظرفیت‌های گوناگون در مناطق گوناگون کشور می‌داند (۱۳۸۶: ۱ - ۱۶).

### ارتقای نقش معلم در فرایند برنامه‌ریزی درسی یک ضرورت است و بدون حضور معلم، برنامه‌ها کارایی لازم را نخواهد داشت

**امین خندقی و گودرزی (۱۳۹۰)** نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نظام برنامه درسی در ساختار و مرجعیت تصمیم‌گیری باید منطقه‌ای شود و این تغییر یک ضرورت است، اما باید توجه داشت که این ضرورت، مشروط و مبتنی بر شرایط ظرفیت‌ها و بسترسازی است. در مطالعه دیگری، **ادیب‌منش، علی‌عسگری و موسی‌پور** به این یافته رسیدند که هر چه سطح تحصیلات دبیران و مدیران بیشتر باشد، آن‌ها از آگاهی و دانش بیشتری برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه‌محور برخوردار خواهند بود (۱۳۹۰: ۱۰۴ - ۸۱).

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد مشارکت معلمان در برنامه‌ریزی درسی کاری بسیار پیچیده است، زیرا مسائل سیاسی، مالی، قانونی و روش‌های اجرایی را در برمی‌گیرد و لازم است در بستر و زمینه‌های فرهنگی فهمیده شود؛ اما در عین حال، اهمیت

به توسعه نقش و مشارکت معلمان در نظام‌های برنامه‌ریزی درسی، به ارتقای کیفیت تولید و اجرای برنامه‌های درسی می‌انجامد.

متخصصان برنامه‌ریزی درسی سه نوع برنامه‌ریزی درسی «متمرکز، غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز» را مطرح کرده‌اند که مشارکت معلمان در هر یک از آن‌ها متفاوت است. در نظام‌های متمرکز، قدرت مرکزی با همکاری متخصصان دانشگاهی و خبرگان آشنا به محیط و شرایط، اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شرح فعالیت‌های کلاسی را برای کل کشور تعیین می‌کند و ارزشیابی برای سنجش میزان دستیابی به حداقل صلاحیت‌هاست و نمره، ملاک پیشرفت است. بنابراین، معلم مجری برنامه است و مشارکتی در تعیین اهداف و محتوا ندارد (سلسبیلی، ۱۳۸۶: لقیفور و آل، ۲۰۱۴).

در نظام‌های غیرمتمرکز، معلمان اهداف و محتوا را به سه صورت تنظیم می‌کنند:

۱. گزینش از بین برنامه‌های درسی و مواد آموزشی موجود؛
۲. سازگار کردن برنامه‌های درسی موجود با شرایط و خصوصیات محلی، کلاس درس، استعدادها و علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان؛
۳. تدوین برنامه‌های درسی و مواد آموزشی جدید.

در این نظام، معلمان با آگاهی از شرایط اجرای برنامه‌های درسی از قبیل شرایط و امکانات محلی و کلاس درس خود، استعدادها، علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و دیگر عوامل مرتبط، برنامه‌های درسی و مواد آموزشی‌شان را تهیه و تدوین می‌کنند (اکرمی و حسینی، ۱۳۸۴؛ شاور، ۲۰۱۰). در نظام آموزشی نیمه‌متمرکز، هدف‌ها و سیاست‌های کلان، به‌عنوان برنامه واحد، در مقیاس کشوری تعیین می‌شوند و مسئولان منطقه‌ای و محلی در اتخاذ روش‌های متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان آزادی عمل دارند (سلسبیلی، ۱۳۸۶). به هر حال، پرواضح است که نقش و مشارکت معلمان در نظام‌های برنامه‌ریزی درسی گوناگون و متنوع است.